

بررسی تطبیقی اعتبار شروط حل اختلاف یک جانبه

شهاب جعفری ندوشن،^۱ لادن زرین^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۲۴

چکیده

شروط یک‌جانبه حل اختلاف شروطی قراردادی هستند که در قالب شرط حل و فصل اختلاف در قراردادهای تجاری و سرمایه‌گذاری، به‌ویژه قراردادهای اعطای وام بین‌المللی و به نفع وام‌دهنده، درج می‌شوند. به‌موجب این شروط، در صورت بروز اختلاف، یک طرف قرارداد را در انتخاب مسیر دادگاه یا داوری - با در نظر گرفتن آن‌که کدام مسیر وی را در موقعیت مناسب‌تری برای تأمین منافع خود قرار می‌دهد و نهایتاً امکان اجرای سهل‌تری دارد - مخیر می‌سازد. این در حالی است که طرف مقابل برای اقامه دعوا فقط حق مراجعه به یکی از مراجع مذکور را دارد. هرچند در بررسی آرای صادره در خصوص قراردادهای حاوی شروط یک‌جانبه در نظام‌های حقوقی مختلف، اختلاف فاحشی در اعتبار یا عدم اعتبار آن شروط وجود دارد، آرای اخیر صادره از دادگاه فرانسه و برخی دیگر از کشورهای حقوق نوشته مبنی بر بی‌اعتباری آن، روند جدیدی در رویکرد دادگاه‌ها در عدم اعتبار این شروط ایجاد کرده است. در این نوشتار، ضمن بررسی رویه نظام‌های حقوقی مختلف، با تجزیه و تحلیل آرای مخالفان و به‌چالش کشیدن آن‌ها و همچنین با در نظر گرفتن پیامدهای نادیده گرفتن این شروط، این نتیجه به دست می‌آید که اصولاً شروط یک‌جانبه، غیر از موارد معدودی که متضمن بی‌عدالتی آشکار باشند، اعتبار دارند.

واژگان کلیدی: شرط حل و فصل اختلاف ترکیبی، شرط حل اختلاف یک‌طرفه، شرط حل اختلاف انتخابی، شرط حل اختلاف غیرمقارن

۱. دانش‌آموخته دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران؛ shjafari@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق تجارت الکترونیک، دانشگاه علم و فرهنگ (نویسنده مسئول)؛ Ladanzarrin1139@gmail.com

مقدمه

به علت رشد فزاینده تمایل به استفاده از ابزارهای خاص برای اطمینان از اجرای حکم علیه دارایی محکوم علیه یا مدیون، خصوصاً در زمانی که اموال وی در حوزه‌های قضایی متفاوتی واقع شده است، و همچنین به منظور عبور از روش‌های معمول حل و فصل اختلافات و ایجاد سازوکاری متناسب با شرایط قراردادی به بهترین شکل ممکن، شرط حل و فصل اختلاف یک‌جانبه^۱ یا ترکیبی^۲ در قراردادها درج می‌شود که یک‌طرفه^۳ انتخابی^۴ و غیرمقارن^۵ نیز نامیده شده است. اگرچه انواع گوناگونی از شروط حل اختلاف یک‌جانبه وجود دارد، این شرط عمدتاً ترکیبی از شرط داوری و حق مراجعه به دادگاه است که اکثراً در قراردادهای تجاری و مالی میان وام‌دهنده و وام‌گیرنده کاربرد دارد. در رایج‌ترین شکل، این شرط برای یک طرف حق مراجعه به دادگاه یا داوری و برای طرف مقابل صرفاً حق دادخواهی در داوری (یا بعضاً فقط دادگاه) را ایجاد خواهد کرد.

پرسش اصلی که در این نوشتار به دنبال پاسخ آن هستیم این است که صرف نظر از تنوعی که در نحوه تنظیم این شروط دیده می‌شود، آیا می‌توان اصولاً حکم به اعتبار انواع رایج این شروط داد؟ به منظور پاسخ‌گویی به این پرسش، در ابتدا به ماهیت، محتوا، هدف و نحوه عملکرد این شروط می‌پردازیم و پس از تشریح فروض متفاوت در خصوص حق ایجاد شده برای یک طرف به منظور طرح ادعا در چند مرجع، رویکرد نظام‌های حقوقی از جمله ایران به شروط یک‌جانبه بررسی می‌شود. در ادامه، پس از تحلیل و بررسی چالش‌های اعتبار شروط یک‌جانبه، به این نتیجه می‌رسیم که صرف عدم تقارن توزیع حقوق در این شروط (که مبتنی بر عدم توازن موقعیت طرفین در انجام مذاکرات قراردادی بوده است) باعث بی‌اعتباری این شروط نمی‌شود.

۱. Unilateral.

۲. Hybrid.

۳. One-side.

۴. Optional.

۵. Asymmetrical.

۱. ماهیت شروط یک‌جانبه

۱-۱. محتوا و هدف

توزیع نامتقارن حقوق و تکالیف، به‌واسطه درج شرط یک‌جانبه در توافقات، ریشه در موقعیت نامتقارن طرفین قرارداد داشته و تقریباً در بسیاری موارد یک طرف قرارداد قدرت چانه‌زنی بهتری برای اقناع طرف یا طرف‌های دیگر به قبول و درج شروط مدنظر خود در قرارداد دارد. از همین رو، در اکثر موارد، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری خواهان استفاده از این شرط برای وصول سهل‌تر مطالبات معوقه از محل دارایی‌های مدیون (وام‌گیرنده) هستند. البته نباید از نظر دور داشت که از این شروط در سایر قراردادها مانند چارترپارتی، قرارداد استخدام و قرارداد اجاره (Hull v. Norcom Inc., 750 F.2d 1547 (11th Cir.) (1985); Amendariz v. Health Psychcare Servs Inc., 24 Cal. 4th 83 (S. Ct. California 2000) نیز استفاده می‌شود (Draguiev, 2014, p.21; Nesbitt & Quinlan, 2006, p. 135).

همواره شرط داوری، به علت انعطاف‌پذیری در حل اختلافات قراردادی، دارای جذابیت میان اطراف قرارداد بوده است؛ خصوصاً آن‌که، با توسل به کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸، امکان اجرای آرای داوری در حدود ۱۵۰ کشور عضو این کنوانسیون فراهم شده است. با این وجود، این امکان وجود دارد که، در مرحله شناسایی و اجرای رأی داوری، اجرای رأی با مانع نظم عمومی (یا سایر موانع) مواجه شود و قابلیت اجرای رأی علیه دارایی مدیون در کشور محل اجرا از بین برود. بنابراین، منطق تجاری طرف قوی‌تر قرارداد (بانک یا غیربانک) به داشتن شرط حل و فصل اختلافی متمایل است که او را قادر سازد تا در هر مرجع داوری یا دادگاه (یا دادگاه‌های متنوع) ادعای خود را مطرح کند. در واقع، ذات شروط یک‌جانبه به‌گونه‌ای است که مسیرهای مختلف برای احقاق حقوق طرفی که از اجرانشدن تعهدات (عموماً مالی) طرف دیگر متضرر شده است باز گذاشته شود.

۲-۱. نحوه عملکرد

به نظر می‌رسد شروط یک‌جانبه دارای همان ویژگی‌های کلی و عمومی شروط حل و فصل اختلافات باشند (Draguiev, 2014, p.22)؛ هرچند، با توجه به این‌که این شروط ساختاری چندلایه دارند، توسعه‌یافته‌تر و قدرتمندترند.

درخصوص نحوه عملکرد شروط یک‌جانبه حل اختلاف، فروض مختلفی مطرح می‌شود که عمدتاً دو فرض از بقیه شایع‌ترند:

فرض اول: یک طرف حق انتخاب میان دادگاه و داوری و طرف دیگر صرفاً حق مراجعه به داوری را داشته باشند. در این حالت، اگر طرف اول دعوی را در دادگاه یا داوری طرح کند، طرف دوم ملزم به تبعیت از این انتخاب است. بنابراین، اگر این دعوا در دادگاه مطرح شود، طرف دوم نمی‌تواند مشابه همان دعوا را هم‌زمان (البته با فرض پذیرش اصل اعتبار امر مطروحه بین دادگاه و داوری) یا متعاقباً (به علت پذیرش اعتبار امر مختومه) طرح کند. درحالی‌که اگر طرف دوم دعوی را در داوری شروع کند، طرف اول ملزم به تبعیت از این انتخاب است و نمی‌تواند همان دعوا را به دادگاه ببرد.

فرض دوم: طرف اول حق انتخاب میان دادگاه و داوری را داشته باشد و طرف دوم صرفاً حق مراجعه به دادگاه را داشته باشد. در این حالت، اگر شروع دعوا از جانب طرف اول باشد، طرف دوم ملزم به تبعیت از مرجع حل اختلاف انتخاب‌شده از سوی طرف اول است. اما مشکل در جایی است که شروع‌کننده دعوا طرف دوم است. در این حالت، سؤال این است که اگر طرف دوم در مراجع دادگاهی طرح دعوی نماید، آیا طرف اول می‌تواند با استفاده از حق مراجعه به داوری، که یکی از گزینه‌های اوست، از دادگاه بخواهد که به دعوا رسیدگی نکند و دعوی موجود را به داوری ارجاع دهد یا خیر؟ اگر پاسخ مثبت باشد - آن‌گونه که در یک دعوی مهم در دادگاه‌های انگلستان به این سؤال پاسخ مثبت داده شده است (NB Three Shipping Ltd. v. Harebell Shipping Ltd.) (2004, paras 10-11) - بدین معناست که طرف اول، علاوه بر این‌که می‌تواند بین دادگاه و داوری برای شروع دعوا انتخاب کند، می‌تواند روند طرح دعوا در مرجع موردنظر طرف دوم را نیز مدیریت کند؛ حتی تنها گزینه موجود برای طرف دوم برای شروع دعوا، یعنی دادگاه، نیز ممکن است به‌گونه‌ای از سوی طرف اول مدیریت شود که تبدیل به

داوری شود. برای رهایی از این مشکل، تفسیر درست چنین به نظر می‌رسد که در حالت اخیر امکان انتخاب برای طرفی که حق‌گزینش دارد (یعنی طرف اول) فقط برای شروع طرح دعوا منشأ اثر است و اگر طرفی که فقط حق طرح دعوا در مراجع قضایی را دارد از این حق خود استفاده کند و دعوایی را در مراجع دادگستری مطرح کند، طرف دیگر نمی‌تواند بر مبنای امکان‌گزینش خود در شرط یک‌جانبه، در تعارض صلاحیت دادگاه با داور، دعوای موجود را به داور ببرد (جعفری ندوشن، ۱۳۹۷، ص ۸۰).

۲. رویکرد نظام‌های حقوقی درباره شروط یک‌جانبه

۲-۱. نظام حقوقی کامن لا

رویه فعلی دادگاه‌های کشورهای کامن لا و به‌طور مشخص انگلستان در تأیید این شروط یا دست‌کم عدم اعلام بی‌اعتباری آن‌ها است. اولین تصمیمی که درباره شروط یک‌جانبه در نظام حقوقی کامن لا گزارش شده مربوط به تصمیم دادگاه تجدیدنظر انگلستان بوده است. در این رأی صادره بر دوجانبه‌بودن شرط داور و اهمیت آن تأکید شده است. این دادگاه بیان داشت که: «در یک شرط ارجاع به داور، هر دو طرف باید توافق بر ارجاع اختلاف به داور داشته باشند و در زمان بروز اختلاف، عنصر اساسی شرط داور، توافق طرفین است» (Baron v. Sunderland Corp., 1996). این رویکرد در پرونده‌ای دیگر نیز مورد تأیید قرار گرفت که حکایت از بی‌اعتباری شروط یک‌جانبه نزد دادگاه‌های انگلستان در آن دهه دارد (Tote Bookmarkers Ltd vs. Development and Property Holding Co Ltd. (1985)).

این رویه همچنان ادامه داشت تا این‌که در پرونده‌ای، در سال ۱۹۸۶، دادگاه تجدیدنظر انگلستان رضایت طرفین به شکل سنتی در ارجاع اختلاف به داور را مورد چالش قرار داد و اظهار داشت که در اعطای حق ارجاع به داور برای یک طرف ایرادی نمی‌بیند و این امر در واقع توافقی دوجانبه بر ایجاد حق یک‌طرفه برای ارجاع به داور را ایجاد می‌کند.

پس از پرونده مزبور، دادگاه‌های انگلستان در خصوص درجه اهمیت برای دوجانبه‌بودن شرط ارجاع اختلاف به داور تغییر رویه داد و بدین ترتیب در پرونده دیگری دادگاه چنین بیان کرد: «دلیلی وجود ندارد که چنین شرطی (شروط یک‌جانبه)

نامعتبر شناخته شود و در اعطای موقعیت «بهتر» نسبت به یک طرف تناقضی نمی‌بیند». *Law Debenture Trust Corp. PLC v. Elektrim Finance B.V., Elektrim S.A.,) Concord Trust. 2005, Para 44*^۱; *NB Three Shipping Ltd. v. Harebell Shipping Ltd., 2004, Para 11*^۲. اخیراً نیز رویه دادگاه‌های انگلستان در تأیید شروط یک‌جانبه دوباره تأیید شده است (*Mauritius Commercial Bank Ltd. v. Hestia Holdings) Ltd. & Sujana Universal Industries Ltd., 2013*).

البته نظریات فوق به معنی پذیرش مطلق شروط یک‌جانبه در دادگاه‌های کشورهای کامن لا نبوده و نیست. به‌طور مشخص، درخصوص قراردادهای استخدام و قراردادهای با مصرف‌کنندگان که در آن‌ها حساسیت بیشتری در تنظیم روابط قراردادی از جانب دولت‌ها وجود دارد، دو نظریه برای به چالش کشیدن این شروط وجود داشته و دارد: اول فقدان دوجانبگی^۳ و دیگری غیرمنطقی یا نامعقول بودن^۴.

تا سال ۱۹۹۰ بسیاری از دادگاه‌های آمریکا شروط یک‌جانبه را به علت فقدان دوجانبگی غیرمعتبر دانسته‌اند و در پرونده هال در برابر نورکام،^۵ قرارداد میان کارفرما و کارگر که دربردارنده شروط یک‌جانبه بود، دادگاه اظهار داشت که هرچند دو طرف ممکن است لزوماً دارای حقوق و تعهدات متقارن نباشند، اما وجود عوض در قرارداد ضروری است؛ یعنی تعهدی از سوی هر دو طرف باشد نه این‌که مطلقاً دوجانبه باشد. بنابراین، دادگاه در این پرونده وجود عوض را شرط لازم برای صحت شرط یک‌جانبه دانست و وجود عوض را نه در خود شرط، بلکه در کلیت قرارداد ضروری دانست.

در توضیح بیشتر این‌که چگونه دادگاه‌ها دکترین غیرمعقول بودن را به‌منظور بی‌اعتبار نمودن شرط یک‌جانبه به‌کار می‌بندند، باید گفت از اواخر سال ۱۹۹۰ به‌کارگیری استدلال «فقدان دوجانبگی» درخصوص همه قراردادهای قابل اعمال بوده است و بدین ترتیب شروط داوری فاقد دوجانبگی را نامعتبر می‌دانستند، اما «غیرمعقول بودن» بیشتر در مورد قراردادهای خاصی مثل قراردادهای استخدامی و مصرف‌کننده به‌کار گرفته

۱. Available at: <http://www.nadr.co.uk/articles/published/ArbitrationLawRep/Law%20v%20Elektrim%202005.pdf>. 2018/08/14

۲. Available at: <http://alr.oxfordjournals.org/content/2004/1/495.extract> 2018/08/14

3. Lack of mutuality

4. Unconscionability

5. Available at: <https://casetext.com/case/hull-v-norocom-inc>. 2020/05/08

می‌شده است که به علت وجود عناصری خاص برای اثبات از سوی مدعی دشوارتر است و بار اثباتی بیشتری ایجاد می‌کند. دادگاه عالی استرالیا نیز در خصوص اعتبار یا عدم اعتبار یک شرط حل اختلاف یک‌جانبه که به یک طرف امکان انتخاب میان دادگاه یا داوری را می‌داد اعلام کرد که چنین شرطی معتبر است (PMT Partners Pty. Ltd. (In Liq) v. (Australian National Parks & Wildlife Service, 1995, paras 15-29).^۱

۲-۲. نظام حقوقی نوشته

نمی‌توان مرز مشخصی را میان نظام‌های حقوقی کامن‌لا و حقوق نوشته در رابطه با رویکرد درباره شروط یک‌جانبه ترسیم کرد. علاوه‌براین، در هیچ‌یک از این دو نظام حقوقی تئوری و رویه ثابتی در رویارویی با این شروط وجود نداشته و ندارد. بیشتر دادگاه‌ها در نظام حقوقی نوشته قائل به اعتبار این شروطاند، اما اخیراً در رویه برخی کشورهای حقوق نوشته مانند فرانسه، روسیه، بلغارستان، چین و لهستان شروط یک‌جانبه مندرج در قرارداد در دعاوی طرح شده و در مواردی نامعتبر شناخته شده است. این مسئله در رویه سایر کشورها در ارزیابی این شروط نیز تأثیرگذار بوده است.

توضیح بیشتر آن‌که در فرانسه عموماً این شرط معتبر دانسته شده است. اما در پرونده‌ای در مورد حساب بانکی متعلق به شخصی اسپانیایی که مربوط به یکی از شعب بانک لوکزامبورگ در فرانسه بود (معروف به پرونده راتشیلد) (Mme 'X' v. Banque Privee Edmond de Rothschild (the Rothschild Case), September 2012)،^۲ این‌گونه شرط شده بود که در صورت بروز اختلاف میان طرفین، بانک علاوه‌بر داشتن حق انحصاری برای طرح دعوا در دادگاه‌های لوکزامبورگ حق دادخواهی در دادگاه محل اقامت خوانده یا هر دادگاه صالح دیگر (در اثر اعمال قواعد حقوقی بین‌الملل خصوصی) را برای خود محفوظ خواهد داشت. در نهایت این شرط، نه به علت عدم تساوی و تعادل حقوق طرفین بلکه بر مبنای مخالفت با ماده ۲۳ مقررات بروکسل یک و ماهیت ذاتی

1 . Available at: <http://www.austlii.edu.au/au/cases/cth/HCA/1995/36.html>. 2015/08/07

2 Available at:

https://www.courdecassation.fr/jurisprudence_2/premiere_chambre_civile_568/983_26_24187.html. 2015/08/07

شرط یک‌جانبه که تا حدی دارای شباهت با شرط ارادی^۱ بوده^۲ (این شرط ارادی از نظر دیوان عالی فرانسه پذیرفتنی نیستند) و همچنین اعطای حق انتخاب گسترده به بانک در انتخاب دادگاه برای طرح دعوی، از سوی دیوان عالی فرانسه نامعتبر شناخته شد. در واقع رویکردی جدید در این نظام حقوقی در ارزیابی شرط یک‌جانبه بود که تأثیر بسزایی در سایر دادگاه‌ها ایجاد کرد و زمینه‌ساز نوعی تفسیر و در نتیجه آن عدم‌قابلیت پیش‌بینی و عدم قطعیت در پذیرش این شرط شد.

روسیه نیز عموماً این شرط را معتبر دانسته، هرچند در دعوی میان شرکت تلفن روسیه و شرکت موبایل سونی اریکسون که حق مراجعه به هر دادگاه صالح را داشت، در حالی که شرکت تلفن روسیه صرفاً از حق رجوع به داوری برخوردار بود، دادگاه چنین شرطی را نامعتبر اعلام کرد (Russ kaya Telephony v. Sony Ericsson Mobile Rus (Ltd, 2012) (Draguiev, 2014, p.30).

بنابراین دیوان عالی روسیه، بر اساس قواعد عمومی حقوقی مدنی روسیه و حقوق بشر اروپایی و تساوی طرفین در حق دسترسی به محاکمه عادلانه و تعادل میان آن‌ها، شرط یک‌جانبه را حمایت نکرده است؛ اما تفاوتی که با رأی دیوان عالی فرانسه دارد آن است که، پس از اعلام نوعی بی‌اعتباری این شرط، آن را کاملاً باطل ندانسته بلکه ضمن رد درخواست، با دخل و تصرف در توافق طرفین در تنظیم شرط حل و فصل اختلاف، خواستار آن شد که شرط به گونه‌ای تنظیم و اصلاح شود که متضمن تساوی طرفین در رجوع به مراجع حل اختلاف باشد.

دادگاه‌های بلغارستان نیز، بعضاً بر مبنای همان علل ذکر شده در پرونده راتشیلد و همچنین به علت آن که دادگاه این شرط را خلاف قواعد اخلاق و حسن‌نیت دانست، شرط را باطل اعلام کردند. همچنین، آرائی از دادگاه‌های چین و لهستان بر بی‌اعتباری این شرط بر مبنای ناعادلانه بودن و عدم تساوی طرفین در روند دادخواهی وجود دارد (Ustinov, 2016 , p.24).

1. Potestativite.

۲. شرط ارادی موجب می‌شود که اجرای قرارداد وابسته به وقوع حادثه‌ای شود که وقوع یا جلوگیری از وقوع آن در اختیار طرف یا طرف‌های دیگر قرارداد باشد.

۳. در مواردی دادگاه‌های آلمان نیز برخی از انواع شرط یک‌جانبه را نامعتبر دانسته‌اند. برای نمونه:

. BGH, Judgment , 24 Sep. 1998, III ZR 133-97 Available at:

نتیجه آن‌که، استدلال‌ها و تفسیرهای جدیدی در عدم‌اعتبار شروط یک‌جانبه شکل گرفته است که خود موجب ایجاد تشکّات آرا و قابل پیش‌بینی نبودن نظر مراجع حل اختلاف خواهد شد. بنابراین لزوم تجزیه و تحلیل دلایل موافقان و مخالفان مطرح می‌شود که در قسمت‌های بعدی به آن پرداخته خواهد شد.

۳-۲. نظام حقوقی ایران

در حقوق ایران، هرچند به نظر می‌رسد که رعایت اصول عدالت معاوضی اجمالاً مورد پذیرش روح قوانین است (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۶۴)، نهایتاً در جایی که عملاً دو طرف قرارداد در وضعیت و قدرت چانه‌زنی نابرابر در مذاکرات هستند، صرف این عدم تعادل (حتی در قراردادهای استخدام که از انواع قراردادهای الحاقی است و ظاهراً طرف ضعیف‌تر صرفاً به پذیرش این قرارداد تن می‌دهد) مبنایی برای نامعتبر شناخته شدن توافق نیست؛ چراکه در جامعه همواره کم‌وبیش ضرورت‌های زندگی وجود دارد و افراد به اضطرار به معاملات و شرایطی که نمی‌خواهند تن می‌دهند و پذیرنده شرط به آن رضایت می‌دهد و اراده او جنبه انشائی دارد و تا مفاد عقد را در ذهن خود ایجاد و اعلام نکند هیچ اثری بر پیشنهاد بار نمی‌شود. به لحاظ همین واقعیت و برای آن‌که به استواری پیمان‌های خصوصی صدمه وارد نشود، قانون‌گذار صراحتاً در ماده ۲۰۶ قانون مدنی معامله اضطراری را معتبر شناخته است (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ص ۲۶).

همچنین باید توجه داشت که اعمال و اجرای شروط یک‌جانبه به معنای سلب حق دادخواهی برای طرف ضعیف‌تر نیست، بلکه صرفاً برای طرفی که دارای موقعیت بهتر یا قدرت چانه‌زنی بیشتر است حق انتخاب‌های بیشتری برای دادخواهی ایجاد می‌کند. لذا این شرط منافی با حق دسترسی به عدالت نیست و همچنان حق مراجعه به دادگاهی مستقل و بی‌طرف، مطابق با ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) که ایران نیز آن را پذیرفته، فراهم است و اصول قانون اساسی از جمله اصل ۱۳۴ (تحت عنوان رجوع به دادگاه‌های صالح که به موجب قانون حق مراجعه به آن تصریح شده است) و سایر اصول پذیرفته شده در آیین دادرسی مدنی لزوماً و صرفاً با درج شرط یک‌جانبه در قرارداد از بین نمی‌رود. پس تا جایی که حق مراجعه به محاکم قضایی وجود داشته باشد و طرح و

<<http://dejure.org/dienste/vernetzung/rechtsprechung?Gericht=BGH&Datum=24.09.1998&Aktenzeichen=III%20ZR%20133/97>>.2016/07/08

پیگیری و رسیدگی در این مرجع با رعایت اصول دادرسی عادلانه (شمس، ۱۳۸۳، ص ۱۳۵-۱۲۸) صورت پذیرد، درج این شرط ذاتاً و دست‌کم از نظر تئوری مبادی با حق دسترسی به عدالت ندارد.

تنها مورد مهمی که ممکن است اعتبار این شروط در حقوق ایران را به چالش بکشد در بحث «شروط ارادی» است. ممکن است ادعا شود در حقوق ایران شروط یک‌جانبه اثر الزام‌آور عقد را تماماً منوط به خواست یک طرف می‌کند. پاسخ این است که شروط ارادی مربوط به امور ماهوی (همانند شرط خیار دایمی برای یک طرف) است و ارتباطی با بحث حاضر پیدا نمی‌کند (جعفری ندوشن، ۱۳۹۷، ص ۸۰). وانگهی آنچه باعث ارادی یا اختیاری بودن تعهد می‌شود دایمی بودن این اختیار است و این درحالی است که در فرض شروط حل اختلاف یک‌جانبه طرف ذی‌نفع در نهایت موظف به اعمال نظر و انتخاب نهایی مرجع حل اختلاف خواهد بود (سربازیان و رستم‌زاده اصلی، ۱۳۹۸، ص ۳۷۷). در این خصوص در ادامه بیشتر سخن خواهیم گفت.

۳. تحلیل و بررسی چالش‌های اعتبار شروط یک‌جانبه

۳-۱. عدم تعادل میان طرفین ۱

عموماً کاربرد شروط یک‌جانبه در قراردادهای اعطای وام و تسهیلات مالی بوده و منطقی است که مؤسسات مالی، ذی‌نفعان اصلی این شروط، سعی بر حفظ قدرت چانه‌زنی خود داشته باشند. از یک طرف ماهیت تجاری رابطه میان وام‌دهنده و وام‌گیرنده دربردارنده نوعی عدم تعادل در روابط قراردادی‌شان است و از طرف دیگر، عموماً دادگاه‌ها تا حدی خود را برای ورود به توافقات طرفین و ایجاد تغییراتی در شروط حل و فصل اختلاف صالح دانسته‌اند. نتیجه آن‌که در شرایطی که این عدم تعادل میان یک طرف و مصرف‌کننده به‌منزله شخصی حقیقی باشد یا یک طرف صرفاً شخص حقوقی و طرف دیگر شخص حقیقی باشد یا زمانی که این عدم تعادل به حدی باشد که مخالفت با نظم عمومی را رقم زند یا موجب از میان رفتن حق دادخواهی یک طرف شود، دادگاه رسیدگی‌کننده به استناد این عدم تعادل می‌تواند شرط را نامعتبر بداند.

1. Balance of parties

از سویی در قراردادهای الحاقی، مانند قراردادهای استخدام، قراردادهای مصرف‌کننده و قراردادهای بیمه، قانونگذار محدودیت‌های خاصی را برای صیانت از منافع طرف ضعیف‌تر ایجاد کرده است و بدین ترتیب در این حیطه درخصوص قانون حاکم یا دادگاه صالح از طریق وضع قوانین از پیش تعیین تکلیف شده است. مثلاً قانونگذار کشور ترکیه، در قانون آیین دادرسی و حقوق بین‌المللی خصوصی مصوب ۲۰۰۷، پس از آن‌که در بند یک ماده ۴۷ توافق بر صلاحیت دادگاه خارجی را اصولاً معتبر شناخته است، در بند ۲ این ماده مقرر کرده که در مورد صلاحیت دادگاه‌ها برای قراردادهای الحاقی نمی‌توان با توافق اشخاص تغییر ایجاد کرد و با این بیان اصولاً توافق بر صلاحیت در قراردادهای الحاقی را نپذیرفته است (مجد کابری و انصاری، ۱۳۹۸، ص ۳۳). از سوی دیگر، در پرونده راتشیلد، استدلال دیوان عالی فرانسه در بی‌اعتباری شرط به این علت نبوده که یک طرف پرونده مصرف‌کننده است، بلکه ماهیت و اثر شرط یک‌جانبه را موجب بی‌اعتباری این شرط دانسته است. بنابراین، از دید طرف‌داران این دیدگاه، باید عدم تعادل میان طرفین در نظام‌های دادرسی بدون توجه به موقعیت طرفین مدنظر قرار گیرد (Draguiev, 2014, p.33).

آنچه در رد این نظریه باید گفت آن است که عدم تعادل موجود در شروط یک‌جانبه در نحوه نگارش و ظاهر این شروط است، زیرا از ظاهر این شرط استنباط می‌شود که برای حفظ حقوق و منفعت یک طرف قرارداد (عموماً طرف قوی‌تر) تنظیم شده‌اند. اما به چنین ظاهری نمی‌توان اکتفا کرد و این شرط را باطل اعلام نمود، زیرا تا جایی که این شرط مخالف با نظم عمومی نباشد در محدوده توافق طرفین اعتبار دارد و الحاقی بودن برخی عقود یا به علت نیاز مصرف‌کننده به انعقاد قرارداد یا وجود انحصار در برخی موارد و نهایتاً وضعیت نامتعادل اقتصادی طرفین توجیه محکمی در رد این شرط نیست، خصوصاً آن‌که پس از طرح دعوا در محاکم قضایی و انتخاب مرجع حل اختلاف این حق انتخاب قطعی^۱ شده و دلیلی برای انتخاب مرجعی دیگر نیست. در نتیجه، تا جایی که دادرسی عادلانه برگزار شود و حق ارائه دلایل و انتخاب داور برای هر دو طرف وجود

۱. Crystallizes

داشته باشد، مطلوب حاصل می‌شود و نهایتاً این عدم تعادل در وضعیت طرفین مبنایی برای بی‌اعتباری این شرط نخواهد بود.^۱

۲-۳. برابری طرفین در دادخواهی^۲

از اصول پذیرفته شده در دادرسی اصل «دادرسی منصفانه» است که «حق دسترسی برابر به عدالت» نیز بر مبنای این اصل قرار گرفته است. بر این مبنا و در تطابق با بحث شروط یک‌جانبه گفته شده است این شرط در مخالفت با این اصل بوده و به صورت فاحشی آن را نقض می‌کند. در پاسخ می‌توان گفت: اگر یک طرف موقعیت «بهتری» نسبت به طرف دیگر داشته باشد، لزوماً به این معنی نیست که طرف مقابل در موقعیت «بدتری» قرار دارد، ضمن آن‌که محدوده محاکمه عادلانه در دو مرحله قابل ارزیابی است:

مرحله اول ورود به نظام قضایی (طرح دعوا) و مرحله دوم پس از انتخاب مرجع و شروع رسیدگی است و به نظر می‌رسد شرط یک‌جانبه صرفاً به این علت که یک طرف نسبت به طرف دیگر حق انتخاب بیشتری در گزینش مرجع حل اختلاف دارد به تنهایی در تقابل با دسترسی برابر به دادخواهی قرار نخواهد گرفت.

در نتیجه، با فرض آن‌که متعاقب انتخاب مرجع و شروع رسیدگی دادرسی عادلانه صورت بگیرد، توافق بر شروط یک‌جانبه در قرارداد به تنهایی منافی با حق دادخواهی و اجرای عدالت نخواهد بود، مگر در زمانی که شرط به گونه‌ای تنظیم شده باشد که عملاً حق دادخواهی یک طرف ساقط شده باشد.

۳-۳. شروط یک‌جانبه و مقررات بروکسل یک

مطابق با ماده ۲۳ مقررات بروکسل یک^۳ (جایگزین کنوانسیون بروکسل ماده ۱۷)، امکان ایجاد حق انتخاب چند دادگاه به نفع یک طرف قرارداد به جای ایجاد صلاحیت انحصاری

۱. همان‌طور که در ماده ۳/۱ دستورالعمل ۱۳/۹۳ اتحادیه اروپا در خصوص شروط غیرمنصفانه تأکید شده است که شرط باید سبب عدم تعادل «قابل توجه» میان حقوق و تعهدات قراردادی طرفین و به ضرر مصرف‌کننده شود، پس به نظر می‌رسد، از آنجاکه میزانی از عدم تعادل میان طرفین در عقد معوض امری طبیعی است، قید «قابل توجه» اضافه شده است.

۲. equal access to justice

۳. مقررات بروکسل یک ۴۴/۲۰۰۱ شرط انتخاب دادگاه را معتبر می‌داند. ماده ۲۳ مقررات مزبور مقرر می‌دارد:

Article 23

“1. If the parties, one or more of whom is domiciled in a member state have agreed that a court or the courts of a member state are to have jurisdiction to settle any dispute which have arisen or which may arise in connection with a particular legal relationship, that court or those courts shall have jurisdiction. Such jurisdiction shall be exclusive unless the parties have agreed otherwise...”

برای یک مرجع در حل و فصل اختلاف وجود دارد و حتی به نظر می‌رسد ریشه و مبنای شکل‌گیری شروط یک‌جانبه در همین مقررات بروکسل بوده باشد.

اما همان‌طور که گفته شد، یکی از علل مهم تشکیک در اعتبار این نوع شروط صدور رأی از دیوان عالی فرانسه در پرونده راتشیلد بود. دیوان عالی فرانسه نیز، رأی دادگاه تجدیدنظر در عدم اعتبار این شرط را با استناد به این استدلال تأیید کرد که این شرط کارکردی شبیه «شروط ارادی» دارد و در مخالفت با مقررات بروکسل یک است. این در حالی است که مقررات بروکسل سندی حقوقی اروپایی و فراملی برای تمامی اعضای اتحادیه اروپا است و همانند سایر اسناد حقوقی اروپایی با هدف یکسان‌سازی قواعد و ایجاد نوعی قطعیت در مناسبات و روابط میان دول اروپایی است. بر همین مبنای باید بدون در نظر گرفتن مقررات ملی و صرفاً براساس تاریخچه و پیش‌زمینه‌های قانونی خود، از جمله کنوانسیون بروکسل در مورد رسیدگی و اجرای آرای قضایی در موضوعات مدنی و تجاری مورخ ۲۷ سپتامبر ۱۹۶۸، تفسیر شود. بنابراین، این که دادگاه فرانسه در مورد مراجعه بدهکار بانک براساس قانون مقر اقدام به تفسیر سند حقوقی اروپایی کرده است را می‌توان از ایرادات وارده به این رأی دانست.

هر چند همچنان دادگاه‌های فرانسه این شرط را خلاف مقررات بروکسل می‌دانند، رویه و تصمیمات سایر کشورها از این رویه حمایت و تعبیت نمی‌کند و با توجه به توضیحات ارائه شده و همچنین صراحت ماده ۲۳ کنوانسیون بروکسل اعتبار شروط یک‌جانبه قابل دفاع به نظر می‌رسد.

نتیجه آن که در سال ۲۰۱۳ دادگاه عالی انگلیس ضمن اشاره به رأی صادره از دیوان عالی فرانسه آن را اختلافی دانسته (*Mauritius Commercial Bank Ltd. v. Hestia Holdings Ltd. & Sujana Universal Industries Ltd.*, 2013) و در سال ۲۰۱۴ دادگاه محلی لوکزامبورگ در رأی خود شروط یک‌جانبه را موافق با ماده ۲۳ مقررات بروکسل

«چنانچه اطراف که یکی یا بیش از یکی از آن‌ها دارای اقامتگاه در یک کشور عضو است، توافق نمایند که دادگاه یا دادگاه‌های یک کشور عضو، صلاحیت رسیدگی به اختلافات ناشی از یک رابطه حقوقی معین که به وجود آمده یا هنوز به وجود نیامده است را دارد، آن دادگاه یا دادگاه‌ها صلاحیت‌دار می‌شوند و صلاحیت مزبور صلاحیت انحصاری خواهد بود، مگر آن‌که طرفین خلاف آن توافق کنند...»

Council Regulation (CE) NO 44/2001 of 22 December 2000 on Jurisdiction and the Recognition and Enforcement of Judgment in Civil and Commercial Matters.

دانسته (Tribunal d'arondissement de Luxembourg, 2014) و از رأی صادره از دیوان عالی فرانسه در خصوص عدم اعتبار شرط یک‌جانبه تبعیت نکرده است. البته در سال ۲۰۱۵ دادگاه عالی فرانسه در پرونده‌ای دوباره شروط یک‌جانبه را بر طبق کنوانسیون لوگانو غیرقابل اجرا دانسته است (International Chamber of Commerce, August 2015,) (p2). که حکایت از پیروی این دادگاه از تصمیم و رویه اتخاذ شده در ۲۰۱۲ دارد و نشانگر آن است که دادگاه‌های فرانسه در هر حال به حفظ رویکرد خود در عدم اعتبار شروط یک‌جانبه تمایل دارند.

۳-۴. مسئله شروط ارادی

شرط ارادی مفهومی حقوقی برخاسته از نظام حقوقی نوشته است. در این مبنا، شروط ارادی شروطی هستند که کنترل قرارداد را صرفاً در اختیار یک طرف قرار می‌دهند (Garner, 2004, p.313) و یکی از مستندات و دلایل مخالفان شروط حل اختلاف یک‌جانبه در بی‌اعتبار شناختن این شرط بر مبنای ارادی بودن آن است (Mme 'X' v. Banque Privee Edmond de Rothschild, First plea, Para 4).

توضیح بیشتر آن که، شروط ارادی به دو دلیل باطل دانسته شده‌اند؛ اول آن که درج چنین شرطی موجب می‌شود که انجام تعهدات قراردادی و سرنوشت این قرارداد به یک طرف وابسته شود و موجبات فرار از انجام تعهدات برای متعهد را فراهم آورد. دوم، طرفی که این شرط به نفع او صورت گرفته است از طریق اعمال آن قادر خواهد بود مطابق صلاحدید خود و به صورت ناگهانی محدوده تعهدات قراردادی را تغییر دهد یا اصلاح کند (Draguiev, 2014, p.35).

پرسش اساسی آن است که آیا اعطای حق انتخاب مرجع حل اختلاف برای طرح دعوا از میان چندین مرجع به یک طرف قرارداد نوعی شرط ارادی ایجاد کرده است؟ در پاسخ باید گفت، در دادگاه‌های فرانسه زمانی تعهدی «ارادی» شناخته می‌شود که اجرای موضوع قرارداد به حادثه‌ای وابسته شود که وقوع یا پیشگیری از آن در اختیار یک طرف است (Article 1170 of the French civil code). بنابراین، علت انتخاب یک مرجع حل و فصل اختلاف طبق توافق طرفین به نفع یک طرف و از سوی او صرفاً اجرای شرط مندرج در قرارداد است که نتیجه آن حل و فصل اختلاف در مرجع انتخاب شده است و

این شرط را به علت شباهتی که از نظر ظاهری با «شروط ارادی» دارد نمی‌توان باطل شناخت و توافق قبلی طرفین را بی‌اعتبار کرد.

هرچند این استدلال دیوان عالی فرانسه در بی‌اعتبار شناختن شروط یک‌جانبه بر مبنای «شروط ارادی» دانستن آن بنا شده بود، بسیاری از صاحب‌نظران چنین دیدگاهی را از جهات متعدد قابل نقد می‌دانند (International Chamber of Commerce, 2015, p.1-2). نتیجه آن‌که درج شرط یک‌جانبه در قرارداد از سوی یکی از طرفین بر مبنای اصل آزادی اراده در قبول شرایط مندرج در همان قرارداد است و ماهیت آن با شروط ارادی تفاوت دارد.

۳-۵. شروط یک‌جانبه از دیدگاه حقوق مصرف‌کننده

در قراردادهای با مصرف‌کننده، در بدو امر به‌نظر می‌رسد اعمال شروط یک‌جانبه ارزیابی شرط را با چالش‌هایی مواجه می‌کند (Kaufman & Babbitt, 2002, p.11). برخی نظام‌های حقوقی و مقررات بروکسل محدودیت‌هایی در توانایی انتخاب مرجع حل‌وفصل اختلاف از میان چند مرجع برای یک طرف در قرارداد با مصرف‌کننده ایجاد کرده‌اند.

سؤالی که مطرح می‌شود آن است که معیار عدم‌توازن و آسیب به مصرف‌کننده چیست؟ در برخی پرونده‌ها نظریه‌ای با عنوان «غیرمعقول بودن» وجود دارد که همان‌طور که گفته شد مبنای بی‌اعتباری شروط یک‌جانبه قرار می‌گیرد. به‌طور کلی، قراردادی غیرمعقول است که تا حد زیادی یک‌طرفه (به نفع یک طرف) و آن‌چنان غیرعادلانه باشد که هیچ شخصی در حالت عادی حاضر به انعقاد چنین قراردادی نباشد (Ustinov, 2016, p.40).

بنابراین آنچه در قراردادهای با مصرف‌کننده بیشتر مورد استناد و توجه قرار می‌گیرد آن است که طرف ضعیف‌تر قدرت چانه‌زنی کمتری دارد؛ اما در فرضی که همین فرد، به علت متمتع شدن از منافع قراردادی، خود را آگاهانه متعهد به قرارداد می‌کند دیگر این یک‌جانبه بودن مبنایی برای نامعتبر شناخته شدن شرط قرار نمی‌گیرد، مگر همان‌گونه که شرح داده شد این عدم‌توازن به حدی باشد که قابل‌اغماض نباشد. البته در نهایت نباید از نظر دور داشت که ماهیت خاص و حمایتی در حقوق مصرف‌کننده باعث می‌شود که

دفاع از اعتبار شروط یک‌جانبه حل اختلاف در قراردادهایی که طرف آن‌ها مصرف‌کننده است دشوارتر باشد.

نتیجه‌گیری

مطابق آنچه گفته شد، شرط یک‌جانبه به‌نوعی جایگزین توافق‌نامه داوری است که انتخاب میان مراجعه به دیوان‌های داوری و دادگاه را برای یک طرف ایجاد می‌کند. این درحالی است که طرف دوم صرفاً حق مراجعه به یکی از این مراجع را دارد. این شرط بیشتر در قراردادهای مالی مانند اعطای وام و تسهیلات و با هدف تسهیل در پیگیری و توقیف دارایی‌های مدیون، در صورت عدم انجام تعهد از سوی وی، برای اعطاکننده تسهیلات گنجانده می‌شود. عدم تقارن توزیع حقوق شکلی در این شرط نیز عموماً مبتنی بر عدم توازن موقعیت طرفین در طول انجام مذاکرات قراردادی است که البته در برخی موارد دارای ریسک عدم‌پذیرش این شروط از سوی نظام‌های قضایی حاکم است.

در بررسی رویکرد نظام‌های حقوقی درباره این شروط و اعتبار آن‌ها، ملاحظه شد که هرچند نظام قضایی کامن‌لا در ابتدای طرح چنین شرطی مخالف با اعتبار آن بود، اما تقریباً درحال حاضر رویه بر پذیرش آن است. این درحالی است که در برخی کشورهای دارای نظام حقوقی نوشته اخیراً رأی صادره از دیوان عالی فرانسه موجب ایجاد تشکیک در اعتبار این شرط شده که همچنان آثار آن را در برخی آرای صادره از دادگاه‌های کشورهای چین، بلغارستان و لهستان می‌توان ملاحظه کرد. هرچند دلایل و مبانی مورداستناد در آن پرونده (دیوان عالی فرانسه) از سوی سایر صاحب‌نظران بررسی و به چالش کشیده شده است، ملاحظه می‌شود که رأی دیوان عالی فرانسه موجب ایجاد ابهام در سطح بین‌المللی در اعتبار شروط یک‌جانبه شده است.

نهایتاً در مقام تنظیم چنین شرطی و با توجه به این‌که این شروط انواع متعددی دارند، باید به این موضوع توجه داشت که شروط یک‌جانبه در موافقت با نظام قضایی حاکم بر موافقت‌نامه داوری و قانون مقر داوری و قانون کشوری که احتمالاً محل اجرای رأی خواهد بود مثل قانون کشور محل وقوع دارایی مدیون تنظیم شود.

در مجموع، با عنایت به مباحث طرح‌شده، پیشنهاد می‌شود در زمان انعقاد قرارداد و درج شروط یک‌جانبه در آن به نحوه تنظیم و نگارش شرط توجه شود. همچنین، در زمان

بروز اختلاف و رسیدگی از سوی مراجع، به‌منظور اعتباربخشی به اراده و خواست طرفین که آگاهانه و با اراده کامل به قرارداد و تمامی شروط مندرج در آن پیوسته‌اند، شرط یک‌جانبه به‌گونه‌ای تفسیر شود که از بطلان آن اجتناب شود و جز در مواردی که حق دسترسی به دادخواهی عادلانه را از طرف مقابل سلب کرده یا نامعقول می‌نماید یا مخالف نظم عمومی و قوانین امری است، شرط یک‌جانبه همچنان معتبر باقی بماند تا هم الزامات قانون حاکم رعایت شده باشد و هم از توافق طرفین در ارجاع به مرجع یا مراجع خاص متناسب با شرایط و وضعیت قراردادی آن‌ها حمایت شده باشد.

منابع

- جعفری ندوشن، شهاب (۱۳۹۷). *حقوق حل اختلافات سرمایه‌گذاری خارجی* تهران: انتشارات میزان.
- سربازیان، مجید و رستم‌زاده اصلی، سروش (بهار و تابستان ۱۳۹۸). «اعتبار شروط یک‌طرفه تعیین صلاحیت داوری در داوری تجاری بین‌المللی». *مجله حقوقی بین‌المللی*، دوره ۳۶، شماره ۶۰، ص ۳۵۷-۳۸۰.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۳). *آیین دادرسی مدنی*، جلد دوم. تهران: انتشارات دراک، چاپ ششم.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). *حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها (مفهوم عقد، انعقاد و اعتبار قرارداد، تراضی)*، جلد اول. تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ ششم.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷). *قواعد عمومی قراردادها*، جلد پنجم، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم.
- مجد کابری، محمد و از صاری، اعظم (تابستان ۱۳۹۸). «شرایط اساسی توافق صلاحیت در حقوق بین‌الملل خصوصی». *مطالعات حقوقی*، دوره ۱۱، شماره ۲، ص ۲۲۵-۲۵۵.
- Amendariz v. Health Psychcare Servs Inc., 24 Cal. 4th 83 (S. Ct. California 2000).
- BGH, Judgment, 26 Jan. 1989, X ZR 23/87(Zweibrücken)
- Draguiv, D. (2014). "Unilateral Jurisdiction Clauses; the Case for Invalidity, Severability or Enforceability". *Journal of International Arbitration*, 31(1), 19-46.
- Garner, B. (2004). *Black's Law Dictionary*. Thomson West, St. Paul.
- Hull v. Norcom Inc., 750 F.2d 1547 (11th Cir. 1985)

- International Chamber of Commerce (August 2015). Unilateral Jurisdiction Clauses in International Financial Contracts. Available at: <https://cdn.iccwbo.org/content/uploads/sites/3/2016/11/Unilateral-Jurisdiction-Clauses-in-International-Financial-Contracts_rev_Position-Paper-08-2015.pdf>
- Kaufman, A. M., & Babbitt, R. M. (2002). "The Mutuality Doctrine in the Arbitration Agreements: the Elephant in the Road". *Franchise Law Journal*, 22, 101.
- Law Debenture Trust Corp. PLC v. Elektrim Finance B.V., Elektrim S.A., Concord Trust. [2005] EWHC 1412(Ch).
- Mauritius Commercial Bank Ltd. v. Hestia Holdings Ltd. & Sujana Universal Industries Ltd., [2013] EWHC
- Mme 'X' v. Banque Privee Edmond de Rothschild (the Rothschild Case), First Chamber of Cour de Cassation, Decision no. 11-26.022, 26 September 2012
- NB Three Shipping Ltd. v. Harebell Shipping Ltd., [2004] EWHC 2001 (Comm).
- Nesbitt, S., & Quinlan, H. (2006). "The Status and Operation of Unilateral or Optional Arbitration Clauses". *Arbitration International*, 22(1), 133-150.
- PMT Partners Pty. Ltd. (In Liq) v. Australian National Parks & Wildlife Service, [1995] H.C.A. 36.
- Russ kaya Telephony v. Sony Ericsson Mobile Rus Ltd. Decision No. 1831 Tribunal d'arrodissement de Luxembourg dated January 29, 2014 ref. no 217/14 and 128/14
- Ustinov, L. (2016). *Unilateral Arbitration Clauses: legal validity*. Master Thesis, Tilburg University.

Comparative Study on the validity of Unilateral Dispute Settlement Clauses

Shahab Jafari Nodoushan,^۱ Laleh Zarin^۲

Abstract

Unilateral dispute settlement clauses in international commercial and investment contracts –especially international loan contracts- are designed to provide one party to the contract with more dispute settlement options (normally domestic courts or arbitration) than the other contracting party. Thus one party may take into account different factors –including enforcement consideration- to choose from different options while the other party is stuck with only one forum.

Although there is a wide range of opinions regarding the validity of unilateral dispute settlement clauses in different jurisdictions, the recent reasoning of the Supreme Court of France has caused a new trend in the invalidity of such clauses in other jurisdictions. Throughout this research, some important rationales behind the invalidity of unilateral clauses have been surveyed and assessed. In sum, it is fair to suggest that unilateral clauses are, in principle valid, unless such terms amount to blatant injustice.

Keywords: Unilateral dispute settlement clauses, Hybrid dispute settlement clauses, Asymmetrical dispute settlement clauses, Optional dispute settlement clauses

۱. Ph. D in Private Law, Tehran University, Tehran, Iran Tehran, Iran; shjafari@gmail.com

۲. Master's Student in E-Commerce Law, University of Science and Culture (Corresponding Author); Ladanzarin1139@gmail.com